یوروپل ۱۵۰ خلافکار فعال در فضای مجازی را بازداشت کرد

یوروپل روز سه‌شنبه اعلام کرد که حدود ۱۵۰ نفر را که به فروش مواد مخدر یا اسلحه در دارک‌وب (وب‌تاریک) مشغول بودند، بازداشت کرده است. به گزارش ایسنا، آژانس پلیس اروپا اعلام کرد: «در این عملیات موسوم به دارک‌هانتور، چندین میلیون یورو پول نقد، بیت‌کوین و همچنین مواد مخدر و سلاح کشف و ضبط شده است. نیروهای پلیس موفق شده‌اند بزرگ‌ترین عملیات در نوع خود را علیه تبهکاران اینترنتی با موفقیت به پایان برسانند. در این عملیات آژانس پلیس اروپا با نیروهای پلیس در کشورهای مختلف جهان، ازجمله استرالیا، بلغارستان، فرانسه، آلمان، ایتالیا، هلند، سوئیس، انگلیس و ایالات متحده همکاری کرده است.

ردیابی فعالیت‌ها و شناسایی افرادی که در دارک‌وب‌ها حضور دارند، برای نیروهای پلیس تقریبا غیرممکن و دشوار است. در این شبکه اطلاعات جامعی نهفته شده، مثل اطلاعات دستگاه‌های دولتی و پلیس یا اطلاعات دزدیده‌شده از دیگر کاربران اینترنتی که افراد ناشناس آنها را کنترل و مدیریت می‌کنند.

پشت صحنه یک ماجرا

گفت‌وگو با مرد سالخورده که پسرش را کشت

می‌خواستم پسرم را داماد کنم اما کشتمش!

معصومه ملکی
حوادث

فرشید، مرد سالخورده‌ای است که به اتهام قتل پسرش بازداشت‌شده و مدتی است که در زندان به‌سر می‌برد. ۲۱ مرداد سال‌گذشته با پسرش درگیر شد. از اینکه مدام مجبور بود خرج او را بدهد، خسته شده بود. این درگیری و عصبانیت باعث شد پسرش را با ضربه‌های چاقو به قتل برساند و برای افشانشدن راز قتل، جسد را تکه‌تکه کرد و درمیان زباله‌ها انداخت. او بعد از این جنایت با داستان‌سرایی می‌گفت پسرش به دبی رفته است. ۹ ماه توانست راز قتل را پنهان کند اما سرانجام با شکایت یکی از پسرانش دستگیر شد و در بازجویی‌ها راز قتل را فاش کرد. مرد فرزندکش صحنه قتل را بازسازی کرد و روانه زندان شد. قرار است وی به‌زودی در دادگاه کیفری یک استان تهران محاکمه شود. در پشت صحنه یک جنایت این هفته با این متهم سالخورده گفت‌وگو کردیم که در ادامه می‌خوانید.

ماجرای اختلافتان چه بود؟

چند سال قبل با فوت همسرم دیگر ازدواج نکردم و با بچه‌هایم زندگی می‌کردم اما یکی از پسرانم به نام اشکان بنای ناسازگاری گذاشت. هر بار پول بیشتری می‌خواست و کم‌کم باعث اختلاف و درگیری‌مان شد. سال‌ها برایش زحمت کشیده بودم اما بدرفتاری و بی‌احترامی می‌کرد. دیگر نمی‌خواستم کنارم باشد.

چطور او را کشتی؟

رفتارش خسته‌ام کرده بود و می‌خواستم تنبیهش کنم نه او را بکشم. آن شب من و پسرم در خانه تنها بودیم. حرف‌های نامناسب و توهین‌آمیز به من زد و ناراحتم کرد. عصبانی شدم، چاقو را برداشته و با ضربه‌های چاقو او را کشتم. چند ساعت بالای سرش بودم و گریه می‌کردم. ترسیده بودم و عذاب‌وجدان داشتم که چرا پسرم را کشتم. فرزندان دیگرم فردای آن روز به خانه باز می‌گشتند و باید جسد را از بین می‌بردم. ممکن بود اگر بفهمند، اتفاقات بدتری بیفتد.

جسد را کجا بردی؟

جسد سنگین بود. آن را تکه‌تکه‌کرده و با انداختن در چند نایلون نیمه‌شب در خودرویم گذاشته و بیرون بردم. اطراف را نگاه می‌کردم که خودروی پلیس در خیابان به من شک نکند. به چند محله تهران رفتم و بخشی از آن را در سطل‌های زباله و سر پسرم را داخل رودخانه‌ای در اطراف تهران انداختم.

بعد چه شد؟

به خانه بازگشتم، آنجا را تمیز کردم و لباس‌های خونی‌ام را از بین بردم. تا صبح نخوابیدم و به هر جای خانه نگاه می‌کردم بدن تکه‌تکه‌شده پسرم را می‌دیدم. خون‌های روی دستم را شستم اما انگار در ذهنم خون‌ها پاک نمی‌شد. روز بعد بچه‌هایم آمدند و سراغ برادرشان را گرفتند و به دروغ گفتم به خانه دوستش رفته است. آخرین دروغم این بود که زنگ‌زده و گفته برای کار و زندگی به دبی رفته و معلوم نیست کی برمی‌گردد.

داستان دبی رفتن را باور کردند؟

اوایل قبول کردند اما بعد از چند ماه یکی از پسرانم شک کرد و مدام سوال پیچم می‌کرد و دنبال برادرش بود.

۹ ماه چطور راز قتل را پنهان کردی؟

خیلی سخت بود و هربار دروغ تازه‌ای می‌گفتم. عذاب‌وجدان داشتم و می‌خواستم تسلیم شوم که ترسیدم. حتی چندبار خواب پسرم را دیدم که با التماس می‌خواست او را دفن و قبری برایش تهیه کنم تا خانواده‌ام برای دیدنش به آنجا بروند. به همین دلیل به محل رهاشدن تکه‌های بدنش می‌رفتم، فاتحه می‌خواندم و ساعت‌ها گریه می‌کردم.

ماجرا چطور لو رفت؟

یکی از پسرانم مدام پیگیر بود و حتی شماره برادرش را در دبی از من می‌خواست که شماره ندادم و از من شکایت کرد و پلیس مرا بازداشت کرد و ماجرا لو رفت. یک هفته بازداشت بودم و با داستانسرایی می‌گفتم او دبی رفته اما طاقت تحمل بار این گناه سنگین را نداشتم و اعتراف کردم او را کشته و جسدش را تکه‌تکه کرده‌ام.

وقتی بچه‌هایت فهمیدند چه واکنشی داشتند؟

خیلی ناراحت شدند و فقط گریه می‌کردند. از طرفی برادرشان مرده بود و از طرفی پدرشان قاتل او بود. بعد از دستگیری و حتی اکنون که زندان هستم سراغم نیامده‌اند؛ البته حق دارند و امیدوارم حلالم کنند. آنها جسد را جمع‌آوری کرده و قبری برای پسرم درست کردند تا روح او به آرامش برسد.

اگر زمان به عقب بازمی‌گشت؟

بر کینه و خشمم غلبه می‌کردم و الان پسرم زنده بود و دامادش می‌کردم.

مجازات فرزندکشی

علی حسینی
کارشناس حقوق

فرزندکشی از گذشته بوده و در تمام جهان شاهد وقوع آن هستیم. این جنایت باتوجه به ابعاد روحی و روانی آن در جامعه، اذهان افراد را درگیرکرده و باعث توجه رسانه‌ها به آن می‌شود. خانواده، کانونی گرم در جامعه است که انتظار می‌رود پدر و مادر، مظهر عطوفت و مهربانی باشند اما گاهی شاهدیم که چنین قتل‌هایی به‌دست پدر یا مادر اتفاق می‌افتد و ذهن‌ها را معطوف به تناقضاتی می‌کند که هضم آن مشکل است. شاید بتوان دو دلیل مهم فرزندکشی را مساله مالکیت پدر خانواده و دیگری نبود مجازات منطقی پدری که قاتل است، دانست. در ماده ۳۰۱ قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۹۲ اهم موانع قصاص مقرر شده و براین‌اساس پدر یا جد پدری بودن از موانع قصاص قاتل است. در پرونده‌های فرزندکشی که قاتل پدر است او با توجه به این ماده قصاص نمی‌شود البته براساس ماده ۶۱۲ قانون مجازات اسلامی برای این متهم مجازات در نظر گرفته می‌شود. در این ماده آمده است، هرکس مرتکب قتل‌عمد شود و شاکی نداشته یا داشته ولی از قصاص گذشت کرده باشد «یا به هر علت قصاص نشود» (ازجمله قتل فرزند توسط پدر) در صورتی که اقدام وی یعنی قتل ارتکابی موجب اخلال در نظم، صیانت و امنیت جامعه شود، مستوجب مجازات ۳ تا ۱۰ سال حبس است.

مرد فرزندکش:
جسد پسرم سنگین بود. آن را تکه‌تکه‌کرده و با انداختن در چند نایلون نیمه‌شب در خودرویم گذاشته و بیرون بردم

مرگ تلخ ۳ کارگر در مخزن ازت

سه نفر از هفت کارگر حادثه‌دیده در شرکت فولاد ناب آرش ابهر به‌علت سقوط به درون مخزن گاز نیتروژن دچار مسمومیت شدید و خفگی شده و جان خود را از دست دادند.

به گزارش خبرنگار جام‌جم، مسؤول روابط‌عمومی مرکز مدیریت حوادث و فوریت‌های پزشکی دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی- درمانی استان زنجان در این‌باره گفت: ساعت ۱۵ و ۵۷ دقیقه سه‌شنبه وقوع حادثه مسمومیت و خفگی با گاز نیتروژن به مرکز فوریت‌های پزشکی ۱۱۵ زنجان اعلام و درخواست کمک شد که بلافاصله سه دستگاه آمبولانس از پایگاه‌های قروه و پایگاه ریلی شهرستان خرمدره عازم محل می‌شوند.

جواد مرادی افزود: امدادگران اورژانس پس از رسیدن به محل به کمک سه کارگر سقوط کرده به مخزن مایعات گازی شتافته و آنان را تحت عملیات احیاي قلبی- ریوی قرار داده و آنها را به بیمارستان الغدیر ابهر انتقال دادند. چند کارگر مصدوم نیز قبل از رسیدن آمبولانس‌ها به محل با دیگر خودروهای حاضر در محل برای درمان به بیمارستان منتقل شده بودند.

محمدرضا انصاری، سرپرست اداره کل تعاون، کار و رفاه اجتماعی استان زنجان نیز درباره علت این حادثه گفت: یک نفر از کارگران برای پاکسازی یکی از دهانه‌های مخزن آهن اسفنجی، اقدام می‌کند که به‌دلایل نامشخص به درون مخزن مخروطی‌شکل حاوی گاز ازت سقوط می‌کند که به‌دنبال آن دو کارگر دیگر برای نجات جان همکار حادثه‌دیده وارد مخزن شده که خود نیز دچار مسمومیت شدید شده و در پی آن چهار کارگر دیگر نیز گرفتار این حادثه می‌شوند.

وی با بیان این‌که همکاران ذی‌ربط اداره کار شهرستان ابهر به محض اطلاع از حادثه در محل حاضر می‌شوند تا در جریان چگونگی این رخداد قرار گیرند، اظهار کرد: در صورت کسب نتیجه و دریافت اطلاعات دقیق و کامل، علت وقوع این حادثه از طریق روابط‌عمومی اداره کل تعاون، کار و رفاه اجتماعی استان زنجان اطلاع‌رسانی خواهد شد.

مرگ مشکوک دختر ۱۷ ساله در زیرزمین

پزشکی قانونی معمای مرگ مشکوک دختر نوجوان را که پیکر حلق‌آویزش در خانه پیدا شده بود، رازگشایی می‌کند.

به گزارش خبرنگار جام‌جم، بامداد دیروز مرگ مشکوک دختر ۱۷ ساله‌ای از طریق ماموران پلیس به بازپرس جنایی تهران گزارش شد. بررسی‌ها نشان داد این دختر در حالی‌که نیمه‌جان بود از سوی خانواده‌اش به بیمارستان الغدیر تهران انتقال یافت. خانواده‌اش ادعا کردند او خودکشی کرده است. پزشکان برای نجات جان او تلاش زیادی کردند اما دختر نوجوان دچار مرگ مغزی شد و جان باخت.

با دستور بازپرس جنایی، تحقیقات از پدر این دختر آغاز شد که او اظهار کرد: من شش بچه دارم و در خانه‌ای قدیمی در محل فرجام زندگی می‌کنم. امروز همراه همسرم به لواسان رفتیم تا گوسفند بخریم. وقتی به خانه آمدیم از دختر ۱۷ ساله‌ام خبری نبود. به موضوع مشکوک شده و به بازرسی خانه پرداختیم که در زیرزمین با او در حالی که خود را از لوله آب حلق‌آویز کرده بود روبه‌رو شدم. سریع طناب را باز کرده و او را به بیمارستان انتقال دادم. اما پزشکان هرچه تلاش کردند نتوانستند او را به زندگی بازگردانند.

این در حالی است که تحقیقات از نزدیکان این دختر نشان داد او سابقه خودکشی یا افسردگی نداشته است.

با دستور بازپرس جنایی، جسد به پزشکی قانونی منتقل شد و تحقیقات در این‌باره ادامه دارد.

گروگانگیری پسر عاشق برای گرفتن جواب بله!

پسر جوان وقتی فهمید دختر مورد علاقه‌اش قصد ازدواج با خواستگار دیگری را دارد، او را در خانه‌اش به گروگان گرفت.

به گزارش خبرنگار جام‌جم، ظهر ۲۹ مهر امسال، زنی هراسان با مراجعه به ماموران پلیس تهران از گروگان گرفته شدن دختر جوانش خبر داد. این زن به ماموران گفت: دخترم مدتی است با پسری آشنا شده و آنها قرار بود با هم ازدواج کنند. امروز دخترم برای دیدن این پسر از خانه بیرون رفت اما ساعتی قبل پیامی همراه یک آدرس برایم ارسال کرد و مدعی شد توسط آن پسر به نام سینا به گروگان گرفته شده و احتمال دارد توسط او به قتل برسد. پس از گزارش این گروگانگیری، تیمی از ماموران با دستور قضایی راهی محل شدند اما هر چه در زدند، کسی در را باز نکرد. به همین دلیل از بالای دیوار وارد خانه شدند و دختر جوان را با دست و پای بسته در یکی از اتاق‌ها پیدا کردند. پسر گروگانگیر هم در خانه حضور داشت که بازداشت شد.

روز گذشته قاضی صاحب جمعی، بازپرس جنایی تهران به تحقیق از متهم و شاکی پرداخت. دختر جوان در شکایت خود گفت: مدتی است با سینا آشنا شده و قرار بود با هم ازدواج کنیم. در این مدت هم چند بار به گردش رفتیم. چند روز قبل پسری به خواستگاریم آمد که به او جوابی ندادم. سینا خیلی شکاک بود و فکر می‌کرد من می‌خواهم با آن خواستگار ازدواج کنم. به همین علت به بهانه این‌که مادرش با من کار دارد، مرا به خانه‌شان کشاند و گروگان گرفت. فراموش کرد گوشی تلفنم را بگیرد و من هم با آن برای مادرم پیام ارسال کردم.

در ادامه متهم هم در دفاع از خود گفت: من عاشق شاکی هستم و در مدتی که با هم هستیم، تلاش کردم شرایط آرامی برای او فراهم کنم. همه چیز خوب بود تا این‌که پسر پولداری به خواستگاریش آمد و مرا فراموش کرد. او قصد داشت با این خواستگارش ازدواج کند. به همین دلیل او را به خانه‌مان کشاندم تا تهدیدش کنم آن خواستگار را فراموش کند. من قصد گروگانگیری نداشتم و فقط می‌خواستم کاری کنم تا با من ازدواج کند.

بازپرس جنایی پس از تحقیقات از شاکی و متهم، به ماموران پلیس آگاهی ماموریت داد در این باره بیشتر تحقیق کنند.

۲۴ کشته و زخمی در تصادف زنجیره‌ای ۳۰ خودرو

تصادف زنجیره‌ای ۳۰ خودرو در آزادراه کرج - قزوین ۲۳ مصدوم و یک فوتی برجای گذاشت. به گزارش جام‌جم، ساعت ۵ و ۹ دقیقه صبح چهارشنبه ۵ آبان، ۳۰ دستگاه خودرو در آزادراه کرج-قزوین با یکدیگر برخورد کردند. به گفته مهرداد بابایی، رئیس مرکز اورژانس البرز این حادثه یک فوتی و ۲۳ مصدوم شامل ۱۱ خانم و ۱۲ آقا داشته است. ۴ نفر از مصدومان در محل از اقدامات درمانی اولیه تکنیسین‌های اورژانس بهره‌مند و درمان سرپایی شدند، ۱۱ مصدوم به بیمارستان شهیدمدنی کرج، ۷ مصدوم به بیمارستان امام‌جعفرصادق(ع) و یک نفر نیز توسط بالگرد به بیمارستان البرز منتقل شدند. بابایی گفت: یک نفر آقا حدود ۱۹ ساله نیز با وجود تلاش‌های انجام‌شده به‌دلیل شدت جراحات در بیمارستان جان باخت. یکی از مصدومان این تصادف به باشگاه خبرنگاران جوان گفت: گازوئیل در آزادراه ریخته بودند و ترمزمان نگرفت. یکی از دیگر مصدومان افزود: جاده تاریک و لغزنده بود و فکر می‌کنم گازوئیل ریخته بودند. اما سرهنگ گودرزی، رئیس پلیس‌راه البرز در تشریح علت وقوع تصادف زنجیره‌ای در آزادراه کرج-قزوین گفت: علت حادثه سرعت غیرمجاز رانندگان و کنترل‌نشدن خودرو در جاده لغزنده بوده است. ابتدای صبح بارش کمی هم در سطح این محور داشتیم.

تلنگر

سرقت کامیون توسط مامور قلابی با آبمیوه مسموم

پلیس پایتخت به دنبال سارقی است که با آبمیوه، کامیون راننده‌ای را سرقت کرد. متهم پس از این دزدی با ترفندی عجیب، حساب خالی طعمه‌اش را هم خالی کرد.

به گزارش خبرنگار جام‌جم، چندی قبل راننده کامیونی با مراجعه به پلیس تهران از سرقت کامیونش و موجودی حساب بانکی‌اش خبر داد.

این راننده به ماموران گفت: در غرب تهران در حال خالی کردن بار بودم که مردی به من مراجعه کرد و خواست برای آوردن باری به شمال کشور برویم که قبول کردم. بار کامیون که خالی شد همراه او راهی شهر موردنظر شدیم. نرسیده به کرج او خواست توقف کنم تا کمی خرید کند. از مغازه‌ای آبمیوه خرید و بازگشت. بعد از خوردن آبمیوه، سرم گیج رفت و کنار جاده توقف کردم که دیگر متوجه چیزی نشدم. یک روز بعد در بیمارستان به هوش آمدم و متوجه شدم او، کامیونم را سرقت کرده است. راننده‌ای مرا کنار جاده پیدا کرده و به بیمارستان رسانده بود. وقتی به خانه رفتم، خانواده‌ام گفتند مردی با آنها تماس گرفته و خودش را معرفی کرده و رمز کارت‌های بانکی مرا از آنها گرفته است. سریع راهی بانک شدم و کارمند آنجا به من گفت همه موجوی حسابم برداشت شده است.

پس از این شکایت تحقیقات ماموران آغاز شد و کامیون را در حالی که حوالی تهران رها شده و لوازم با ارزش آن سرقت شده بود، کشف کردند.

تحقیقات برای دستگیری سارق ادامه دارد.

قطار یزد - تهران آتش گرفت

قطار یزد به تهران دیروز در حوالی نایین دچار حریق شد و گرچه تلفات جانی و مصدومیت جدی نداشت، اما مسافران از سرگردانی چند ساعته، گلایه داشتند. این حریق که دیروز صبح اتفاق افتاد، توسط نیروهای آتش‌نشانی به‌سرعت مهار شد. این حادثه خوشبختانه تلفات جانی نداشته و یکی از مسافران نیز آسیب جزئی دیده است.

معمای مرگ دختر تنها با گاز

تحقیقات پلیسی درباره مرگ مشکوک دختر جوان در خانه‌اش با گاز، پلیس را به پسر مورد علاقه او رساند. این پسر منکر اطلاع از مرگ دختر ۳۸ ساله شد.

به گزارش خبرنگار جام‌جم، بهار امسال زنی در تماس با پلیس ۱۱۰ تهران گفت: خواهرم در خانه‌ای در محله نواب زندگی می‌کرد. امروز هر چه با او تماس گرفتم پاسخگو نبود. به موضوع مشکوک شدم و مقابل خانه‌اش آمدم اما در را باز نمی‌کرد. از داخل خانه‌اش بوی گاز به مشام می‌رسید. دقایقی بعد، ماموران پلیس همراه امدادگران آتش‌نشانی و اورژانس در این خانه حاضر شده و بعد از شکستن در و ورود به آنجا، با جسد دختر ۳۸ ساله در آشپزخانه روبه‌رو شدند. گاز نیز فضای خانه را پر کرده بود.

با توجه به مشکوک بودن مرگ این دختر، جسد برای تعیین علت مرگ به پزشکی قانونی منتقل شد که پزشکان مرگ او را خفگی ناشی از نارسایی حاد تنفسی اعلام کردند.

از سوی دیگر در تحقیقات مشخص شد این دختر مدتی است با پسر جوان آشنا شده و چند بار با او به رستوران رفته است. چند روز قبل این پسر شناسایی و برای تحقیقات به دادسرای جنایی تهران احضار شد. او در بازجویی‌ها گفت: سه سال قبل با دختر جوان در یک کافه آشنا شده و مدتی با هم در ارتباط بودیم تا این‌که این دوستی تمام شد و از هم بی‌خبر بودیم. یک سال قبل دوباره هم را دیده و دوستی‌مان شروع شد. من طراح دکوراسیون داخلی هستم و یک روز او با من تماس گرفت و گفت خانه‌ای را به‌تازگی گرفته و خواست در طراحی داخلی آن کمکش کنم. بعد قرار شد آدرس آنجا را برایم بفرستم اما نفرستاد و دیگر به تماس‌هایم جواب نداد که متوجه گازگرفتگی او شدم.

تحقیقات درباره این پرونده و ادعای پسر جوان در پلیس آگاهی ادامه دارد.